

قانون گذاران

انصراف برخی نمایندگان از شکایت از مطهری

ایلنا - عضو هیات رییس‌ه مجلس شورای اسلامی گفت:نامه‌ای به‌منظور سلب صلاحیت علی مطهری به هیات رییس‌ه مجلس تقدیم نشده است.علی‌اصغر یوسف‌نژاد با اشاره به مراجعه تعدادی از نمایندگان برای بازپس گیری امضاهای خود از نامه‌ای که ادعا شده جهت سلب صلاحیت مطهری از حضور در جایگاه نایب‌رییسی مجلس تهیه شده، گفت: عده‌ای از نمایندگان به هیات رییس‌ه مراجعه کردند که با بازپس‌گیری امضاهای خود مانع می‌برازد.

از انجام این کار ششوند. او ادامه داد: با این حال، درنهایت به‌ دخالت یکی از نمایندگان مقرر شد که این‌ موضوع در جلسه‌ای با حضور امضاکنندگان، آقای پزشکیان به‌عنوان نایب رییس نخست‌ مجلس و خود آقای مطهری مورد بحث قرار بگیرد و پس از آن در این باره تصمیم‌گیری شود.این عضو هیات رییس‌ه مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که نماینده‌ای که مانع از بازپس‌گیری امضاها توسط نمایندگان شد و پیشنهادتشکیل جلسه در این‌باره را مطرح کرد، خود از امضاکنندگان این نامه نبوده، گفت: نکته اول این است‌که با توجه به این‌که احتمالاً سوءتفاهم نمایندگان از صحبت‌های آقای مطهری، منجر به بروز این مشکل شده، یکی از نمایندگان پیشنهاد کرد در جلسه‌ای این سوءتفاهم مرتفع شود و در نتیجه یک‌باره این موضوع مختومه شود و همگی امضای خود را پس بگیرند و مسئله حائز اهمیت دیگر این‌که تس‌اجاری به بنده اطلاع دارم، اساساً چنین نامه‌ای تقدیم هیات رییس‌ه نشده است، عضو فراکسیون امید در مجلس با بیان این‌که موضوع سلب صلاحیت آقای مطهری از دو جنبه قابل بررسی است، گفت: در صورتی که شکایات وارده نسبت به مسائل مربوط به شخص ایشان به‌عنوان یک نماینده مطرح شده باشد،بنابر قانون این مسئله باید در هیات نظارت بر رفتار نمایندگان مورد بررسی قرار گیرد. او اضافه کرد: با این حال، در صورتی که این شکایت نسبت به عملکرد آقای مطهری به‌عنوان نایب رییس مجلس ایراد شده باشد، بنابر آیین‌نامه داخلی مجلس این شکایات باید در کمیسیون این‌نامه‌داعلی، با حضور تعداد این کمیسیون و روسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و نتیجه به صحن علنی مجلس گزارش می‌شود و درنهایت بنابر رای نمایندگان در صحن، تصمیم نهایی اتخاذ می‌شود. یوسف‌نژاد در پایان با بیان این‌که در حال رازینی برای حل این مشکل در جلسه‌ای دوستانه هستیم، تصریح کرد: تاکنون هیچ نامه‌ای به هیات رسمی آرسوی شکایت‌کنندگان در صورت رییس‌ه تقدیم نشده و صرفاً به‌صورت شفاهی مسائلی از سوی برخی از نمایندگان مطرح شده است.

تاجگردون: هیاهوی حقوق‌های غیر متعارف برای کتمان برخی پرونده‌هاست

رییس کمیسیون برنامه و بودجه ومحاسبات مجلس تاکید کرد: پرونده بلک زنجایی‌ها زیر سایه دریافتی‌های نجومی فراموش نشود. غلامرضا تاجگردون با تاکید براینکه مصداق حقوق‌های چندمیلیونی در کشور زیاد است، گفت:دولت و مجلس باید بررسی حقوق‌های چندمیلیونی را در دستور کار خود قرار دهند و تا با شفاف‌سازی موضوع پی گیر آن باشند. نماینده مردم ایلام و یابنت در مجلس شورای اسلامی، با بیان این‌که از ابتدای سال گذشته در خصوص وجود فیش‌های حقوقی نجومی به مسئولان تذکر داده بودم، افزود: برخی که مدام در پی رسانه‌های کردن حقوق‌های کلان و غیرمتعارف و همچنین ایجاد سروصدا در خصوص آن هستند:خواهان کتمان پرونده‌های بزرگی همچون بلک زنجایی هستند.وی با تاکید براینکه ه‌ر نوع تخلفی باید با برخوردی مناسب همراه شود،تصریح کرد:نیاید اجازه دهیم در کنار حقوق‌های چندمیلیونی پرونده‌های بزرگی همچون بلک زنجایی به فراموشی سپرده ششوند. این نماینده مردم در مجلس دهم، با بیان اینکه از میان ۹۵۰ مدیر متخلف خوددهم ششاد در پرونده حقوق‌های میلیونی تنها ۷ الی ۸ نفر حقوق بالای ۵۰ میلیون تومان داشته‌اند:افزود: ۳۰ نفر از تعداد مذکور حقوق بالای ۶۰ میلیون و ۷۰ نفر نیز حقوقی بالای ۳۰ میلیون داشتند. وی با تاکید براینکه قانون خدمات کشوری باید اصلاح شود،گفت: برخی از ضعف‌های موجود در این قانون و بازگذاشتن دستت مسئولان در تعیین حقوق‌ها مشکل‌آفرین شده‌است. تاجگردون ادامه داد:اگر قرار است برخورد با پرداخت‌خواه کلان و پراخت‌کننده آن به صورت توامان باشسداین نماینده مسردم در مجلس دهم، تاکید کرد: برخورد با کسانی که دستور پرداخت‌های غیرمتعارف را داده‌اند، هم باید صورت گیرد. رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شسورای اسلامی،یادآور شد: ایراداتی به سیستم نظارتی کشور در بحث دریافتی‌های چند میلیونی وارد است که باید هر چه سریع‌تر رفع شود که این موضوع برخورد با علت است.

چرا؟ مگر خاورمیانه چه ویژگی‌هایی دارد که آن را از باقی دنیا متمایز می‌کند؟

سوال خوبی است.خاورمیانه دارای ویژگی‌هایی است که هیچ منطقه دیگری در جهان ندارد.

اول اینکه خاورمیانه هنوز وارد بلک جهانی نشده است. یعنی هنوز با منطق نظام بین الملل تعریف نمی‌شود.اینکه قدرت و ثروت مهم است؛ اینکه باید نسبت به مسائل منطقه توجه جدی داشت؛ اینکه از گذشته و تجارب جهانی باید بهره گرفت؛ واقعا می‌توانیم با هیچ کدام این‌ها سازگار نیست. به تعبیر یکی متخصصان هنوز خاورمیانه در قواره نظام بین الملل عمل نمی‌کند.

نکته دوم اینکه خاورمیانه منطقه‌ای استثنایی است. یعنی هر مدلی از منطقه گرای را که برای خاورمیانه استفاده کنیم جواب نمی‌دهد. مثلا با چارچوب های موجود نمی‌شود دانست که صدام بعد از اینکه با ایران وارد جنگ شد و در شرایط ضعف بود، چرا مجددا با کویت وارد جنگ شد. یا مثلا خیلی مشخص نیست جمال عبدالنصر چرا در سال ۱۹۶۷ وارد جنگ با اسرائیل شد، در حالیکه مابین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۷ هیچ طرح نظامی ای را قبول نمی کرد.

ویژگی دیگر این است که خاورمیانه منطقه نامثالی است. یعنی هیچ تحولی در نظام بین الملل نداریم که خاورمیانه به نتیجه رسیده باشد. به عنوان مثال سازه دولت- ملت (nation-state) در خاورمیانه همچنان نداریم؛ همچنان انتخابات را به معنای متعارفش – آن گونه که در نظام بین الملل وجود دارد – در خاورمیانه شاهدش نیستیم. این ویژگی باعث می‌شود که اگر بخواهیم شاخصی برای شفافیت، دموکراسی و … بر روی خاورمیانه بسازیم با مشکلات نظری فراوانی مواجه شویم. به عبارت دیگر مدل های رایج برای خاورمیانه جواب نمی‌دهد. ویژگی سوم این است که خاورمیانه خیلی تحت تاثیر آراء رهبرانش است. اگر دقت کنیم رهبران بزرگ در خاورمیانه مسائل متعددی داشتند. هم در نظر فیزی، هم از نظر روانی. مثلا در مورد جمال و یا صدام این هوی و هوس بوده که آن‌ها را وارد جنگ می کرده است. یعنی رفتار صدام و ناصر با این منطق که «اا داشته‌ها و خواسته‌ها با هم متناسب هستند یا نه» نمی‌خواند. به بیانی دیگر در خاورمیانه بین محیط واقعی و محیط روانی فاصله است و رهبران خاورمیانه بیشتر مبتنی بر محیط روانی خود تصمیم می‌گیرند تا محیط واقعی و عملیاتی. ویژگی دیگر این است که در خاورمیانه با مباحث عمیق هویتی مواجهیم. در واقع در خاورمیانه هويت‌ها به هويت‌های ملی ای فراملی نرفته اند. به بیانی بهتر، در خاورمیانه با هويت‌های پیشاملی روبرو هستیم. این در حالی است که نظام‌های سیاسی عقب مانده خاورمیانه هم در باز تولید این وضعیت اجتماعی مشارکت دارند.

ویژگی اجتماعی دیگری خاورمیانه آن است که

دکتر داوود غریباق زندی در گفتگو با همدلی:

خاورمیانه هنوز با منطق بین الملل تعریف نمی‌شود



دگرسازی در این منطقه عمیق است. به این معنا که در خاورمیانه همه «دیگری» (other) هم هستند. نکته مهم این است که دگرسازی با دگر نگریستن خیلی فرق می‌کند. در دگر سازی با تضاد روبرویم و نه قطع تفاوت.

ویژگی دیگر این است که خاورمیانه در گذشته سیر می‌کند و گذشته نگر است. مثلا هر تفکری که در خاورمیانه دنبال کنیم به جایی وصل می‌شود. به عنوان مثال داعش به یک جایی وصل است؛ محمد بنا به یک جایی وصل است و … به همین دلیل هويت در خاورمیانه زمان پریش است یعنی متناسب با شرایط و امکاناتش رفتار نمی‌کند.

ویژگی دیگر اینکه دولت های خاورمیانه، با لوازم مدرن ایزاری برخوردار می‌کنند. مثل استفاده ای که داعش از لوازم مدرن دارد؛ یا بهره ای که عربستان از هواپیماهای مدرن می‌برد. در بطن همه این استفاده‌ها، فرهنگی به غایت سنتی و از تجاعی به راست است. به بیانی دیگر، لسوازم مدرن فقط ایزاری هستند برای رسیدن به اهداف

مورد نظر و حامل فرهنگ مدرن نیستند. نکته دیگر اینکه استعمار در خاورمیانه همچنان حضور جدی دارد. امکان ندارد شما در خاورمیانه بحث کنید، اما وارد مباحث توطئه نشوید. یعنی در خاورمیانه خیلی به مولفه‌ها نگاه نمی‌شود. سعی می‌شود که پدیده‌ها به چیزهای ای ربط نسبت داده شود. فرضا یکی از موضوعاتی که در خاورمیانه حضور جدی دارد، بحث اسرائیل است. نکته دیگر اینکه خاورمیانه با تجمع چالش‌ها مواجه است. یعنی نه تنها خاورمیانه همچنان سازه دولت در آن ساخته نشده است، بلکه با مشکلات موازی دیگری هم دست و پنجه نرم می‌کند. ویژگی دیگر خاورمیانه آن است که منطقه به نهایت استراتژیکی است؛ چرا که پیوند سه قاره است و به تعبیری لولای جهان است. تحت هیچ شرایطی نمی‌توان اهمیت آراه‌های ایش شش گانه ای که در خاورمیانه قرار دارد نادیده گرفت و لازم به گفتن نیست که از منظر انرژی هم خاورمیانه بسیار پر اهمیت است. در نهایت با توجه به مباحث گفته شده – اگر خاورمیانه را از منظر امنیتی ببینیم و نه اقتصادی یا سیاسی با فرهنگی یا هویتی – خاورمیانه یک منطقه نفوذپذیر است. یعنی خاورمیانه نمی‌تواند خودش مثلث خودش را حل کند. همین نفوذپذیری است که باعث می‌شود یک گروهی به نام داعش به راحتی کل خاورمیانه را در چالش امنیتی کند یا آمریکا به سادگی وارد این منطقه شود. بنابراین به اعتقاد من راه گذر از همه مشکلات خاورمیانه و شکل گیری یک رژیم نوین در این منطقه همچنان نفوذپذیر باقی خواهد ماند و این پتانسیل را دارد که به سادگی نظم آن به هم بریزد.

به نظر در صحبت‌های شما یک نامسازواری مشاهده می‌شود. از یک سو شما معتقدید که بازیگران غیر دولتی نظیر داعش و طالبان در خاورمیانه تاثیر فراوانی دارند – و به تعبیر شما در خاورمیانه در دوران پیشامدرن باید – و از سوی دیگر معتقدید که خاورمیانه را همیت و اساس واقع گرای و نواقع گرای تعریف کرد؟ این دو چگونه با هم جور در می‌آید؟

به هر حال منبای واقع گرای آن است که دولت‌هایی وجود دارند که منافع ملی خود را به پیش می‌برند. اگر دقت کنیم که در خاورمیانه مسئله هسته‌هاست و در خاورمیانه مسئله هسته‌هاست. این ویژگی باعث می‌شود که اگر بخواهیم شاخصی برای شفافیت، دموکراسی و … بر روی خاورمیانه بسازیم با مشکلات نظری فراوانی مواجه شویم. به عبارت دیگر مدل های رایج برای خاورمیانه جواب نمی‌دهد. ویژگی سوم این است که خاورمیانه خیلی تحت تاثیر آراء رهبرانش است. اگر دقت کنیم رهبران بزرگ در خاورمیانه مسائل متعددی داشتند. هم در نظر فیزی، هم از نظر روانی. مثلا در مورد جمال و یا صدام این هوی و هوس بوده که آن‌ها را وارد جنگ می کرده است. یعنی رفتار صدام و ناصر با این منطق که «اا داشته‌ها و خواسته‌ها با هم متناسب هستند یا نه» نمی‌خواند. به بیانی دیگر در خاورمیانه بین محیط واقعی و محیط روانی فاصله است و رهبران خاورمیانه بیشتر مبتنی بر محیط روانی خود تصمیم می‌گیرند تا محیط واقعی و عملیاتی. ویژگی دیگر این است که در خاورمیانه با مباحث عمیق هویتی مواجهیم. در واقع در خاورمیانه هويت‌ها به هويت‌های ملی ای فراملی نرفته اند. به بیانی بهتر، در خاورمیانه با هويت‌های پیشاملی روبرو هستیم. این در حالی است که نظام‌های سیاسی عقب مانده خاورمیانه هم در باز تولید این وضعیت اجتماعی مشارکت دارند.

ویژگی اجتماعی دیگری خاورمیانه آن است که

دولت به معنای nation-state شکل نگرفته است. اما یک سازه «شبه دولتی» شکل گرفته که می‌تواند منبای تحلیل قرار گیرد. در تایید حرف شما در عربستان سعودی، این خاندان سعودی است که منافع ملی عربستان را تعریف می‌کند. یادر ترکیه این آ.ک.پ است که منافع ترکیه را تعریف می‌کند. یعنی همچنان منافع ملی در خاورمیانه بسته به هیئت حاکمه است و در نهایت من می‌پذیرم که حتی رهیافت واقع گرای رانسی توان به تمام و کمال در باب خاورمیانه صادق دانست. اما با دیگر رهیافت‌ها نظیر سازه انگاری یا جامعه امنیتی نمی‌توان خاورمیانه را تحلیل کرد.

منظور اینک‌ه اگر بخواهیم برای خاورمیانه تئوری سازی کنیم، باید به یک واقع گرای ناقص متوسل شویم. لیبی ضربه خورده است و اگر در مورد سوریه ایستادگی نکند، ممکن است ایران و عراق و سایر مناطق تحت نفوذ خود را هم از دست بدهد. هر همین مبنا پافشاری بر سوریه می‌تواند کارت‌های بازی روسیه را در مقابل

ایرک و اروپا افزایش دهد و این کارت‌ها تنها محدود به کریمه و اکراین نخواهد شد. به همین دلیل است که می‌بینید در حال حاضر از سمت اتحادیه اروپا علاقه ای به وجود آمده برای مذاکره با روسیه. از این‌ها به بگذریم، روسیه انگیزه مهم دیگر هم دارد و آن هیچ عنوان روسیه داشته باشند. چه اینکه در آن صورت افراط گرای می‌تواند به چین و آسیای مرکزی – به عنوان حیاط خلوت روسیه – گسترش یابد. چنین رخدادی تمام نظم ژئوپولیتیک روسی را به هم می‌ریزد. این موضوعی است که در سند استراتژی امنیت ملی روسیه نیز بدان تصریح شده است.

عربستان دنبال این است که یک متحد عربی خودش را به جزه خودش باز گرداند. برای رسید به این هدف عربستان به فلسطین – و مشخصا حماس – می‌کند تا نیازی به کمک های ایران از طریق سوریه به

عربستان دنبال این است که یک متحد عربی خودش را به جزه خودش باز گرداند. برای رسید به این هدف عربستان به فلسطین – و مشخصا حماس – می‌کند تا نیازی به کمک های ایران از طریق سوریه به

عربستان دنبال این است که یک متحد عربی خودش را به جزه خودش باز گرداند. برای رسید به این هدف عربستان به فلسطین – و مشخصا حماس – می‌کند تا نیازی به کمک های ایران از طریق سوریه به

شهرک

احزاب

بیانیه حزب اتحاد ملت ایران اسلامی: عملکرد دولت روحانی را مثبت دانیم

حزب اتحاد ملت ایران اسلامی در بیانیه‌ای با بررسی عملکرد دولت در پنج حوزه سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تصریح کرد: ضمن محفوظ دانستن انتقادات کارشناسی، عملکرد دولت را در سه سال گذشته مثبت ارزیابی می‌کنیم و حمایت از اقدامات دولت در راستای توسعه و پیشرفت کشور و دور کردن آن از بحران‌های داخلی و خارجی و تقویت منافع ملی را اعلام می‌کنیم.

سیاست داخلی

در این بیانیه عملکرد دولت در سیاست داخلی چنین عنوان شده است: ارزیابی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی از عملکرد دولت تدبیر و امید در زمینه سیاست داخلی، همان نتیجه مقدر و ممکن است که البته به دور از پیش بینی‌ها نبود. ایجاد فضای نقد و گفتگو، بهبود فضای فعالیت سیاسی و کمرنگ کردن غلبه نگاه امنیتی در این حوزه، فعال نمودن مجدد خانه احزاب و کمیسیون ماده ده احزاب، مقاومت جسدی دولت در زمینه محدود کردن فضای اطلاع رسانی، فرجه به اجرای فصل سوم قانون اساسی، اقدام در راستای تبیین و پیگیری حقوق شهروندی، برگزاری انتخابات قانونی و سالم و دفاع از حقوق انتخاب‌کنندگان و انتخاب شوندگان، از اقدامات در خور توجه دولت بوده که انتظار می‌رود در یکسال آینده با تمرکز بیشتر بر فصل سوم قانون اساسی، پیگیری حقوق شهروندی را بر رنگ تر نموده و چالش‌های سیاسی موجود در قبیل تداوم فضای امنیتی، معضلات و موانع برگزاری جمععات و سخنرانی‌های قانونی، فقدان ساز و کار شفاف برای همکاری احزاب و نهادهای مدنی با دولت، امتداد فضای بسته سیاسی در دانشگاهها و مقاومت در برابر شکل‌گیری اتحادیه‌های دانشجویی جدید که جزو مطالبات به جای مانده محسوب می‌شود را جامعه طلب ببوشاند.

سیاست خارجی

این بیانیه همچنین عملکرد سیاست خارجی دولت روحانی را چنین ارزیابی می‌کند: دولت تدبیر و امید علی‌رغم صورت خطیر مسئله در سال ۱۳۹۲ توانسته بختش عمده مخاطرات پیش روی کشور را در زمینه سیاست خارجی برطرف نماید و پس از سه سال با برخورداری از حمایت مقام معظم رهبری توانست به «برجام» در توافق با دولت‌های ۵۱ دست یابد و لذا کمتر ناظر مسئله است که بر موفقیت این دولت در سیاست خارجی صحه نگاردار، استقرار سیاست تنش زبانی دولت یازدهم و موفقیت تیم دیپلماسی ایران در مذاکرات ژنو و در نتیجه خروج پرونده ایران از شوری امنیت و تحقق برجام از دستاوردهای چشمگیر این دولت در سه سال گذشته بوده است و به طور قطع این موفقیت در ارتقاء موقعیت ایران در منطقه و دور کردن کشور از خطر داعش غیر قابل انکار است.

حوزه اقتصادی

در بیانیه اتحاد ملت همچنین عملکرد اقتصادی دولت نیز مثبت ارزیابی شده است. کاهش نرخ بیکاری از ۱۲.۲ درصد در سال ۹۱ به ۱۱ درصد در سال ۹۴ یک نشانگر تلاش دولت روحانی برای پاسخگویی به نیاز اشتغال در جامعه ایران در مدت مسئولیت بوده‌است. هرچند با توجه به حدود ۲.۷ میلیون نفر متقاضی بافعل در بازار کار و پیش‌بینی ورود حدود ۸ میلیون نفر متقاضی بافوق در ۵ سال آتی، که غالب آنها را فارغ التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند، این تلاش باید ابعاد گسترده تری به خود گیرد تا بتواند وعده روحانی را دراین باره تحقق بخشد.

حوزه اجتماعی

اتحاد ملت بخشی از بیانیه خود را به عملکرد دولت در حوزه اجتماعی پرداخته است. در این بیانیه آمده است: کوشش فراگیرتر در جهت رفع محدودیت‌ها و حل موانعی که برای سبک‌های مختلف زندگی افراد جامعه ایجاد می‌کنند، مانند مصرف کالای فرهنگی از قبیل موسیقی، پارچا بودن مشکلات ممیزی، لزو کنسترت‌ها،

تعرض به بعضی از میهمانی‌های خانگی و حریم خصوصی افراد جامعه، رفع تهدیدها از فضاهای شهری از منظر نیروهای انتظامی و سایر نهاد‌های حاکمیتی تجدیدکننده‌ی آزادی (ماننداعمال‌نظر‌های شخصی در مورد پوشش افراد)، رفع تداوم ناکارآمدی در برنامه ریزی‌های حیاتی در وزارت خانه‌های مهمی چون ورزش و جوانان، وزارت رفاه و وزارت آموزش و پرورش، ایجاد ارتباط موثر و دو طرفه – بین نهادهای – مدنی جامعه و دولت در جهت مهار آسیب‌های اجتماعی، که ناکامی دولت در سررسلمان دادن آن در موضوع پارانها با یک نمونه آن بود، از مواردی است که می‌تواند به دولت در بهبود شاخص‌های اجتماعی کمک کند.

حوزه فرهنگی

بیانیه حزب اتحاد ملت در فصل دیگری به عملکرد دولت در حوزه فرهنگی می‌پردازد. «همان طور که حسن روحانی در اعتراض به رفتارهای غیر قانونی بارها تاکید کرده است، رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی باید بیشترین تلاش خود را برای حرکت همه نهادها در مسیر قانون بکار گیرد و بخصوص در عرصه فرهنگ از رفتارهای فراتر از قانونی جلو گیری کند. در این مسیر رهنشاهان می‌شود دولت در ادامه فعالیت خود ضمن تعیین تکلیف قانونی متولیان حوزه فرهنگ کشور، در راستای تقویت فعالیت‌های مدنی، شبکه‌های سنتی و هنری مستقل، تقویت نظام اطلاع رسانی، ارتباط گسترده با متفکران، روشنفکران، دانشگاہیان و هنرمندان را در دستور کار دولت در

دهد.